

مجهول زیر

چکیده

در این مقاله شش مرحله‌ی مجهول‌سازی و انگیزه‌های به‌کارگیری آن، که عمدتاً بلاغی محسوب می‌شوند، بررسی شده است.

کلواژه‌ها

مجهول‌سازی، معلوم، صفت مفعولی، گذرا، ناگذر.

علی عینی
کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی
و دبیر دبیرستان‌های پادشاه‌شهر اهواز

پروژه‌ی مجهول‌سازی در زبان فارسی بر پایه‌ی شش مرحله به ترتیب زیر شکل می‌گیرد:



الف) حذف نهاد جمله‌ی معلوم

ب) حذف نشانه‌ی مفعولی (را)

پ) ساخت صفت مفعولی از فعل اصلی جمله‌ی معلوم

ت) ساخت فعلی از مصدر شدن (در گذشته از مصدر آمدن نیز استفاده می‌شد) هم

زمان با فعل جمله‌ی معلوم

ث) مطابقت دادن شناسه با نهاد جمله‌ی جدید

همان‌گونه که مشاهده می‌گردد در فرایند مجهول‌سازی، «مفعول» و «فعل» دو عنصر

اساسی به‌شمار می‌آیند. به همین دلیل جمله‌های فاقد مفعول (یا در حقیقت افعالی که

گذرا به مفعول نیستند) مجهول نمی‌شوند. این امر البته استثنایی دارد؛ جمله‌ی چهار

جزئی با متمم و مسند تنها جمله‌ای است که می‌توان آن را بدون مفعول مجهول نمود.

علت این امر آن است که مسند جمله‌ی یاد شده بیش از آن‌که به مسند (تمیز) شبیه

باشد به مفعول حقیقی شباهت دارد:

آن‌ها به حمید دانشمند محله می‌گفتند

نهاد متمم مسند فعل معلوم

به حمید دانشمند محله گفته می‌شد

متمم مسند فعل مجهول

همان‌گونه که روند گذرا کردن فعل باعث افزایش تعداد اجزای اصلی جمله می‌شود،

فرایند مجهول‌سازی از تعداد اجزای اصلی یک جمله‌ی معلوم می‌کاهد. این کاهش به

شکل‌های زیر در جملات فارسی پدیدار می‌شود:

سه جزئی با مفعول (معلوم)

نهاد

گزاره

مفعول

فعل

خیاط

همان گونه که روند گذرا کردن فعل باعث افزایش تعداد اجزای اصلی جمله می شود، فرایند مجهول سازی از تعداد اجزای اصلی یک جمله می کاهد

مسند
فعل
هوا را
سرد
گرداند
سه جزئی با مسند (مجهول)

نهاد
گزاره

هوا
مسند

فعل
سرد

شد (گردید)

جمله‌ی چهار جزئی دو مفعولی
در این نوع جملات با سیری نسبتاً پیچیده تر مواجه می شویم به این معنی که در آن‌ها مفعول نخست الزاماً به شکل حقیقی خود یعنی متمم باز می گردد:

معلم حمید را جایزه‌ای ارزنده بخشید
نهاد مفعول (۱) مفعول (۲) فعل معلوم

به حمید جایزه‌ای ارزنده بخشیده شد (به جای ← حمید جایزه‌ای ارزنده بخشیده شد) متمم نهاد فعل

اصرار به حفظ وضعیت مفعول نخست ما را در تعیین نقش دستوری آن کمی دچار مشکل خواهد ساخت. برای مثال در عبارت «ساریان شتران را آب داد» و مجهول آن «شتران آب داده شدند» انتساب دو نهاد (یعنی شتران و آب) به فعل امکان پذیر نیست، ضمن آن که علی‌الاصول آب را نمی توان مفعول پنداشت: در این حالت و در تعیین نقش آب به نظر حقیر می توان دو تحلیل را مد نظر قرار داد:

الف) با وجود آن که در جملات مجهول قاعداً نباید اثری از مفعول مشاهده شود در این گونه جملات این فرایند را به تغییر نقش مفعول اول منحصر کنیم و به این ترتیب آب را هم چنان مفعول جمله به شمار آوریم.

شتران آب داده شدند

جمله‌ی چهار جزئی با مفعول و مسند:

در این مورد خاص با دو شکل متفاوت روبه رو هستیم:

الف) گونه‌ی اول در افعال تمیز پذیر شکل می گیرد: افعالی هم چون پنداشتن، یافتن، دیدن، نامیدن، شمردن... در حالت مجهول «تمیز» را به عنوان رابط نهاد جدید با فعل مجهول حفظ می نمایند:

معلوم

نهاد

گزاره

مفعول

مسند (تمیز) فعل

مردم شیخ را انسان وارسته‌ای می دیدند

مجهول

نهاد

گزاره

مسند (تمیز)

فعل

شیخ انسان وارسته‌ی دیده می شد، گونه‌ی دوم در افعال چهارگانه‌ی «کرد، نمود، ساخت، گرداند» پدیدار می شود. با توجه به آن که چهارگانه‌ی یاد شده همگی یا شکل گذاری افعال ربطی یا معادل گذاری آن‌ها به شمار می آیند، در فرایند مجهول سازی موجب تبدیل شدن جمله‌ی چهار جزئی با مفعول و مسند به جمله‌ی سه جزئی با مسند با افعال ربطی و اسنادی آشنا یعنی صرف «شد، گشت و گردید» می شوند:

چهار جزئی با مفعول و مسند (معلوم)

نهاد

گزاره

برف

مفعول

لباس را

دوخت

دو جزئی (مجهول)

نهاد

گزاره

فعل

لباس

دوخته شد

چهار جزئی با مفعول و متمم

نهاد

گزاره

مفعول

متمم

فعل

شیطان آدمیان را به انحراف می کشاند

سه جزئی با متمم (مجهول)

نهاد

گزاره

متمم

فعل

آدمیان

به انحراف

کشیده می شوند

چهار جزء با متمم و مسند (معلوم)

نهاد

گزاره

متمم

مسند (تمیز) فعل

اهالی محل به او پهلوان می گفتند

سه جزئی با متمم (مجهول)

نهاد

گزاره

متمم

فعل

به او پهلوان گفته می شد

(در شیوه‌ی عادی آن متمم بر نهاد مقدم است)

نهاد مفعول فعل

ب) نکته‌ی دیگر خوانش جمله به گونه‌ای است که در میان داده و شدند درنگی ایجاد شود. در این حالت داده از فعل جدا و به همراه آب (آب داده) یک واژه محسوب می‌شود و نقش مسندی می‌گیرد.

شتران آب داده شدند

نهاد مسند فعل

شکل دوم تنها کوششی است برای تحلیل نحوی این جملات اگر ناگزیر باشیم آن‌ها را به عنوان واقعیت زبان معیار بپذیریم. اگرچه مجهول‌سازی یک پدیده‌ی دستوری به‌شمار می‌آید اما انگیزه‌های به‌کارگیری آن عمدتاً بلاغی محسوب می‌شوند. اهداف مجهول‌سازی به شکلی کلی عبارت‌اند از:

الف) رعایت ادب و احترام:

ممنونم صرف شده است (به جای غذا را صرف کرده‌ام).

پیش از این اطلاعات مذکور از جانب حقیر به دفتر حضرت عالی ارسال شده است (به جای ارسال کرده‌ام).

ب) ناشناخته بودن عامل وقوع فعل

جنگل‌های یونان دیشب به‌آتش کشیده شدند. پ) واضح و بدیهی بودن عامل وقوع فعل بر اساس آموزه‌های قرآنی تمامی موجودات زنده از آب آفریده شده‌اند.

ت) برجسته‌سازی مفعول (موضوع)

فقط سه مقاله‌ی نخست پذیرفته شده‌اند. در این منطقه تحرکات مشکوکی دیده می‌شود.

ث) تأکید بر عمل و فعل

زحمت نکشیدهمه‌ی کارها انجام داده شده است.

ج) بی‌اهمیت بودن فاعل

شاخه‌های بزرگ درخت بلوط بریده شدند.

چ) تقویت حکم

در این اداره دیگر مجال کم‌کاری به کسی داده نخواهد شد.

ح) کراهت استعمال اول شخص در مشرق زمین

در جلسه‌ی پیش بخشی از این مثنوی بلند در محضر شما بزرگواران، خوانده شد.

در پایان این مقال از ذکر این نکته نمی‌توان گذشت که گروهی از صاحب‌نظران از جمله استاد احمد سمیعی (گیلانی) به کارگیری نهاد جمله‌ی معلوم را به شکل متمم در جمله‌های مجهول روا نمی‌دانند.

بر پایه‌ی مطالب بالا به کارگیری فاعل به شکل متمم در جمله‌های مجهول را شاید نتوان مصداق اشکالات نگارشی پنداشت.

اگرچه چنین امری در عبارات انگلیسی با حرف اضافه by به چشم می‌خورد اما در متون گذشته‌ی ما و در پیشینه‌ی زبان فارسی هم نمونه‌های فراوانی می‌توان برای آن پیدا کرد. از جمله بیت معروف فردوسی در داستان رستم و سهراب:

مگرم کان دلاور گوسال خورد

شود کشته بر دست این شیرمرد

با عنایت به این مطلب و انگیزه‌های بلاغی ذکر شده جملاتی هم‌چون «مثنوی در قرن هفتم به وسیله‌ی مولوی سروده شد» گوشه‌ای از واقعیات بی‌خدشه‌ی زبان فارسی به نظر می‌رسند.

اگرچه مجهول‌سازی یک پدیده‌ی دستوری به‌شمار می‌آید اما انگیزه‌های به‌کارگیری آن عمدتاً بلاغی محسوب می‌شوند

